



انسان در مقام خلیفه الهی به جایی می‌رسد که مظهر اراده خدا می‌شود

یک محقق و پژوهشگر علوم و معارف دینی گفت: انسان در مقام خلیفه الهی وجود خدایی می‌شود به اختیار خود اختیارش را به خداوند می‌سپارد...

یک محقق و پژوهشگر علوم و معارف دینی گفت: انسان در مقام خلیفه الهی وجود خدایی می‌شود به اختیار خود اختیارش را به خداوند می‌سپارد، آن وقت دیگر تیرانداختن او در شب هم کار او نیست، بلکه اراده خداوند است "و ما رمیت اذ رمیت ولكن الله رمي" اینجا دیگر چشم و گوش و دست و پای و زبان او می‌شود. به گزارش خبرنگار مهر از سلسه نشست های تخصصی اولین جشنواره ملی ملکوت اولین نشست تخصصی با موضوع خلافت الهی انسان در قرآن با سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین دکتر مرتضی واعظ جوادی آملی شنبه شب 11 آبانماه در تالار امام خمینی (ره) دانشگاه امام صادق برگزار شد. این جشنواره با محوریت کتاب «صورت و سیرت انسان در قرآن» تألیف آیت الله جوادی آملی صورت می‌گیرد.

در ابتدای این نشست واعظ جوادی گفت: برگزاری اینگونه جشنواره ها نقش علمی، دینی و معنوی خود را در سطوح مختلف جامعه خواهد داشت خصوصاً در جمع دانشجویان و دانشجویان و کسانی که با این مسائل آشنا هستند و با علاقه این بحث ها را دنبال می‌کنند این گونه جشنواره ها فرصت مناسبی برای حضور علمی، دینی و معنوی آنها است.

وی افزود: موضوعی که درباره آن بحث می‌شود فوق العاده مهم و اساسی است هیچ موضوعی به عظمت این موضوع نیست اگر وقایع و اتفاقاتی که خدای عالم مقرر فرموده بررسی کنیم مهمترین و بزرگترین آن وقایع و اتفاقات همین بحث خلافت الهی انسان است. بحث ولایت، رسالت، نبوت و امامت همه و همه در پیرامون جایگاه خلافت الهی انسان شکل می‌گیرد. اینکه خداوند فرمود اني جاعل في الارض خلیفه این جریان استثنایی است و هیچ جریانی به عمق آن نمی‌رسد. بدون شک مباحث فراوانی را به دنبال خواهد داشت و محورهای عمده ای از بحث باید تبیین شود و باید ابهامات مرتفع گردد. این جلسه شما را به مطالعه کتاب هایی در این زمینه چه تألیف استاد ارجمند جوادی آملی و چه دیگران سوق می‌دهد.

این محقق و پژوهشگر حوزه فلسفه تصریح کرد: جلد سوم تفسیر تسنیم تفسیر سوری است که جریان خلافت الهی انسان را شرح داده است. عظیم ترین اتفاق عالم هستی که در درون خودش همه حوادث را دارا است همین موضوع است. هر چه در درجات ولایت، رسالت، نبوت، امامت و وصایت انسان درجه بیشتری کسب کند درواقع درجات افزونتر خلافت الهی را کسب کرده است.

واعظ جوادی بیان داشت: تا بحث خلافت الهی انسان آشکار نگردد و جوانب همه امور آن دیده نشود ما نمی‌توانیم به هویت خودمان پی ببریم. زیرا یکی از محورهای این بحث رسیدن به هویت انسان است. لذا باید با این مسئله با عظمت و بزرگی مواجه شد همانطور که خداوند همه فرشته ها را به صف می‌کند تا خبر این حادثه عظیم را به آنها بدهد. سؤال اینجاست که خدایی که بر همه چیز محیط و دانا است نه تنها دانا است بلکه بر همه چیز شاهد است و همه چیز مشهود اوست آیا موجودی در این سطح که قدرت و علم و داناییش نامحدود است و هر چه اراده کند به اراده حق موجود است این موجود چه جایی برای خلافت می‌خواهد.

وی افزود: جواب این است خداوند نیازی به خلیفه ندارد اما برای اینکه این جهان موجود شود نیاز به موجودی است که همه تعیّنات وجودی موجودات را داشته باشد. این جهان برای اینکه تحقق یابد نیاز به خلیفه دارد. پس یک سؤال این است که خلافت الهی، انسانی چه جایگاهی در نظام معرفتی ما دارد چرا باید خلافت انسان را در مجموعه هستی بپذیریم این یک محور است. محور دیگر این است حالا که پذیرفتیم برای اینکه عالم تحقق یابد نیاز به واسطه فیض دارد یک موجودی که هم نبات هم جماد هم حیوان هم ملک هم عرش هم فرش باشد هیچ حیثیتی از وجود نباشد که در او نباشد او باید این ویژگی ها را داشته باشد چطور در میان همه موجودات انسان چنین مقامی دارد. مثلاً فرشتگان که همواره در تسبیح و تقدیس خداوند هستند و همواره مطیع اوامر الهی اند انتخاب نشدند بلکه انسان که از خاک است و خاستگاهش عالم طبیعت است و همواره با فسق و فجور همراه است خلیفه می‌شود.

این محقق و پژوهشگر علوم و معارف دینی تصریح کرد: انسان بار امانتی که آسمان و زمین یعنی کل نظام هستی نتوانست بکشد کشید. با اینکه انسان ظالم و جهول است اما هیچ موجودی غیر از انسان نمی‌توانست بار این امانت را بکشد.

واعظ جوادی عنوان کرد: محور دیگری که است این است که خداوند به چه عاملی او را به این مقام رسانید. خداوند علم انسان را مطرح می کند و علم آدم الاسماء کلها. شمول خلافت کجاست آیا هر انسانی را شامل می شود آنچه از ظواهر فرمایشات الهی بر می آید که در این کتاب سیرت و صورت انسان در قرآن آیت الله جوادی آملی هم آمده است جایگاه علم انسان است. همین اسماء را خداوند عالم به فرشتگان عرضه کرد اما آنها گفتند که ما از این حقایق خبری نداریم اما آدم این اسماء را آموخت و معلم فرشتگان شد. و فرشتگان در مقابل او خضوع کردند همانطور که ساحران در مقابل معجزه حضرت موسی خضوع کردند. یعنی مرتبه وجودی فرشتگان از مرتبه وجودی انسان کامل پائین تر است و این مراتب اقتضاء می کند که در برابر انسان خضوع کند.

وی افزود: محور بعدی این است که آیا علمی که خدا به انسان آموخت علم شهودی و علم الیقینی است که سنخ آن با عمل صالح و ایمان است یا علمی در مقابل اینهاست؟ باید گفت علمی است که با ایمان و عمل صالح کسب شده باشد و در دانشگاه ها و مراکز پژوهشی و آموزشی کسب نخواهد شد. انسان با توسعه این علم وجود خود را وسعت می بخشد از مرتبه وجودی فرشتگان هم بالاتر می رود. فرشته حدی دارد که بالاتر از آن و پائین تر از آن ممکن نیست اما وقتی فرشتگان علم انسان را دیدند تسلیم شدند.

واعظ جوادی ادامه داد: محور دیگر این است که برای اینکه این موضوع راجع ما انسانها صحبت می کند نقش ما در این جایگاه چیست و موقعیت ما کجاست. راه حصول و رسیدن به این مقام چیست. یک بحثی در این کتاب حضرت آیت الله جوادی آملی دارند که خلافت تشکیکی است که مرتبه والای آن مختص به پیامبر(ص) است و هم رتبه آن ائمه معصومین و علی (ع) است. جایگاه خلافت انسان ذومراتبی و امری تشکیکی است. اقتضائات و موانع خلافت انسان چیست.

وی افزود: محور آخری که روی آن بیشتر تأکید می کنم این است که اصلاً جنس یا هویت این خلافت چیست. آیا خلافت یک وصفی از اوصاف الهی است یا نه گوهر انسانی را خلافت تعیین می کند تا به این جایگاه دست می یابد. وقتی کسی خلیفه الله می شود مثلاً در دعای امام زمان(عج) می گوئیم اسلام علیک یا خلیفه الله این گوهر و هویت وجودی او است به مانند صور ذهنی، امر عرضی نیست (صور ذهنی امری عارض است). تا انسان شهود قلبی و عقلی پیدا نکند و تا به عمق وجودی خود پی نبرد تا به حاق حقیقت انسانی وجود انسانی نرسد به اتفاقی که ما به عنوان گوهر ذات به آن قائل هستیم نخواهیم رسید.

این محقق و پژوهشگر علوم و معارف دینی تصریح کرد: در مقام خلیفه اللهی انسان وجود خدایی می شود به اختیار خود اختیارش را به خداوند می سپارد آنوقت دیگر تیرانداختن او در شب هم کار او نیست، بلکه اراده خداوند است و ما رمیت اذ رمیت ولكن الله رمی اینجا دیگر چشم و گوش و دست و پای و زبان او می شود عین الله و سمع الله و یدالله و اسدالله. در مقام عمل انسان به فیض کامل می رسد. انسان به جایی می رسد که خداوند عالم او را مظهر اراده خودش می کند. انسانی که به این مقام می رسد دیگر هویت خودش باقی نیست.